



آیا انتخابات ریاست جمهوری پیش رو به تعویق می افتد؟

طالبان بارها اعلام کرده اند که با دولت افغانستان، تحت هیچ شرایطی گفت و گو نمی کنند و اساسا دولت افغانستان را به عنوان دولت قانونی کشور به رسمیت نمی شناسند تا با آن گفت و گو کنند. این موضع، بدین معناست که طالبان، خواستار تمام قدرت هستند و به عنوان دولت آینده، با آمریکا مذاکره می کنند. طالبان همچنین مشخص نکردند که برای گفت و گو با مردم افغانستان، از چه مکانیزمی می خواهد استفاده کند و اساسا گفت و گو با مردم که بارها آنرا ذکر کردند، چگونه ممکن خواهد بود؟

این گمانه که طالبان، خواهان تمام قدرت است و احتمالا آمریکا نیز این خواسته را پذیرفته، زمانی از قوت بیشتری برخوردار می شود که می بینیم تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که قرار است میزان آینده برگزار شود نیز به طور همزمان و همزمان، خواستار به تعویق افتادن برگزاری انتخابات پس از روشن شدن تکلیف مذاکرات صلح با طالبان شده اند تا طالبان نیز در انتخابات حضور داشته باشند.

توجه به این نکته که بخش زیادی از نامزدهای مذکور، ارتباطهای گسترده ای با سفارتخانه های خارجی از جمله سفارت آمریکا در کابل دارند و تلاش می کنند که سیاست های خود را با واشنگتن هماهنگ کنند، می تواند در تقویت این گمانه حایز اهمیت باشد که ممکن است، سیگنال تعویق انتخابات و حضور طالبان در این فرایند، از واشنگتن به آن ها مخابره شده باشد. با این اوصاف، دور از انتظار نخواهد بود که در آینده نزدیک و در مذاکرات صلح بعدی با روشن شدن موارد جزئی تر توافق آمریکا و طالبان تفاهم نامه میان طرف های درگیر امضا شود.

بوی خوش ارکیده؛ در فضای کبود کابل

صفحه ۳...



ازدواج موقت؛ بایدها و نبایدها



تحلیل
مینانصر

دارد؛ از جمله عدم فرصت زندگی خانوادگی و دایمی که برای تعدادی از آن ها را میسر نمی کند و مشکل دیگر موافقت ازدواج موقت، همچنین وجود تعداد زیادی از زنانی است که بدون همسر و همراه در جامعه تنها و مجرد و یا همراه با فرزندان خود زندگی می کنند و معمولا از شانس دوباره برای یک زندگی خانوادگی محرومند.

به خصوص اگر در رشته کاری خاص صاحب درآمد نباشند و توانایی مالی برای گذران زندگی نداشته باشند، این ها برای تداوم زندگی و حضور در جامعه به مردانی نیاز دارند که حامی عاطفی و روحی و روانی آن ها باشد و از لحاظ مالی تکیه گاهی مطمئن برای آن ها. گفته می شود که با توجه به شرایط ازدواج موقت و عدم هزینه های هنگفت مالی به خصوص برای جوانان و دانشجویان و دیگر افرادی که نیاز جنسی دارند و از لحاظ امکانات اقتصادی یا هر جهت دیگر امکان تشکیل خانواده را ندارند، می توانند از این مسیر به خواسته خود برسند.

زن و مرد با توجه به اصول و قوانین این نوع ازدواج که نسبت به ازدواج دائمی سهل تر و کم خرج تر است، می توانند از روابط آزاد جنسی و بی بندباری و یا سرکوب غرایز جنسی خود را دور نگه دارند و نیز سهمی در کاهش آمار فساد و فحشا را در جامعه داشته باشند.

یکی از مسایل مورد بحث در فقه شیعه ازدواج موقت یا در اصطلاح عام صیغه است و آن نوعی از ازدواج است که در آن عقد ازدواج برای مدت معین و محدود با مهریه معلوم بین زن و مرد بسته می شود و با پایان آن رابطه زوجیت خودبخود منقضی می شود. به نظر می رسد که مخالفین و موافقین این نوع ازدواج همواره کوشیده اند که برای رد یا پذیرش آن در بین مردم استدلال بتراشند و از سختی یا عدم سختی آن با جامعه امروز پشتیبانی کنند.

قدر مسلم این که موافقین همیشه تاکید بر این داشتند که با توجه به نیاز غریزی و جنسی انسانها در سنین جوانی و عدم آمادگی و توانایی شان در خرج و هزینه های زندگی این راه کسب مشروعیت خوبی است برای زندگی زناشویی و ارتباط منطقی دو همجنس باهم.

استدلال دیگرشان آمار بالای دختران است، نسبت به تعداد پسران و تبعات ناشی از این اختلاف جمعیت است که بالطبع بروز مشکلاتی را در پی

آزادی یا حراج؟!



نقطه دار

محبوبه مسحا

من شعر را بیان هنری احساس و اندیشه تعریف می کنم. اگرچه اسوالد هنر فلنگ با استناد به قول گوته در کتاب چستی هنر شعر را از علم و هنر که زاده تفکر آدمی اند جدا می کند و منبع شعر را الهام می داند. هر چند این نظر کلی هنر فلنگ در باره شعر نیست با



این همه اگر شعر نتواند در گام نخست رسالت هنری اش را ادا کند، به عباره دگر بیان هنرمندانه احساس و یا اندیشه نباشد من شخص در شعر بودن اش تردید دارم. حالا هنری بودن یعنی چه؟ اگر به قول هنر فلنگ بدیع بودن را یکی

از مهم ترین شاخص های هنر قبول کنیم، این بدیع بودن یکی از مهم ترین ویژگی های یک شعر خوب نیز می باشد. اما آنچه را که ما از آن به بدیع بودن یا تازگی یاد می کنیم یک مفهوم خیلی ها کلی است. تازگی در چه؟ در زبان؟ در تصویر و فضا؟ در فرم یا در محتوا؟ تازگی در تمام این ها می تواند منظور باشد. اما همین تازگی خود زاده تخیل است که کدکنی آن را جانمایه شعر تعریف می کند. چیزی که محمد حقوقی از آن به عنوان شعریت شعر یاد می کند چیزی جز کشف شاعرانه نیست که این نیز زاده تخیل شاعرانه است. شماری فکر می کنند پناه بردن به شعر نو یعنی رسیدن به زبانی که هیچ قید و بندی را به آن راه نیست و هر چه و هر گونه که می خواهد دل تنگ ات بگو. اما شعر نو یا شعر آزاد برای این که هر چه بخواهد بگوید، از عروض فرار نکرده است. بلکه برای این که به جوهر شعر هر چه بیشتر نزدیک شود، تنگنای وزن و قافیه را به هم زده است. یعنی در شعر سپید ما باید عریان تر از قالب های کلاسیک با



۲

سال سوم ■ شماره ۹۱ ■ شنبه ۲۹ سرطان ۱۳۹۸

Saturday ■ 20, July, 2019 ■ Vol. 3 ■ No. 90

نقد

■ شریح شیون

جوهر شعر رو برو باشیم. جوهر شعر یعنی همان شعریت شعر است که از آن به عنوان تخیل و یا هم کشف شاعرانه یاد کردیم. از این جهت من با این مقدمه و با این شناختی که از شعر دارم حالا ممکن است شناختی جامعی نباشد ولی با همین شناخت خود به سراغ مجموعه اگر زمستان نمی شد از بانو نازی شریفی شدم. از این که من قرار نیست حرف زیادی بگویم نهایت تلاش را کرده ام تا بعضی از یافته های خودم را از مجموعه اگر زمستان نمی شد، مختصرن با شما شریک بسازم.

زبان

زبان شریفی در مجموعه اگر زمستان نمی شد یک زبان بسیار شسته و رفته است که به روشنی می شود فهمید عنان این رخسار را شاعر توانمندانه در کف دارد. خصوصن در شعر سید ما به شاعری می توانیم بگویم که از نگاه زبان در جایگاه خوبی قرار دارد که شاعر، صرف کلمات باشد. کلمات را به جا و به هنگام آن کار بگیرد. زیرا هر کلمه در شعر دارای شخصیتی است که بایسته است با آن مسئولانه برخورد کرد. در یک زبان شسته و یک دست و هنرمندانه است که کلمات به گونه غیر قابل معاوضه می توانند در جای خود و روی پای خود ایستاد شوند. شعر شریفی در مجموعه اگر زمستان نمی شد این وصف را دارا است. علاوه بر این از ناحیه نو بودن نیز زبان شریفی در جای بلندی می ایستد. و این چیزی غیر قابل انتظار هم نیست این سومین مجموعه نازی شریفی است. یعنی بایسته است تا شریفی این زبان را صاحب باشد. اما هستند شاعرانی که با سالها ریاضت هنوز نتوانسته اند زبان را آن گونه که باید مهار کنند.

بانو شریفی در مجموعه اگر زمستان نمی شد از ناحیه زبان به باور من در کناره امن ایستاده است. با این همه چون شاعر تجربه زیست در دو محیط فرهنگی متفاوت (در سطح کوچک آن) را داشته است، و یا به عباره دگر در دو بوم مختلف زندگی کرده است. بنا بومی گرایی در شعرهای او از این هر دو زیست بوم او مایه دارد. اگر از یک سو کلمات مانند، پوتین، نارون، سمج، کال رنگ آن سوی مرز و از سوی دگر کلمات مانند؛ «کره» «غلبک» و ... که ویژه این سوی مرز خصوصن بدخشان است در شعرهای او همزمان دیده می شوند، این امر سبب می شود که مخاطب افغانستانی این شعرها گمان کند که این واژه ها در زبان شریفی جای خود را آنگونه که باید نیافته اند. به نظر من چنین نیست این زبان خاص بانو شریفی در واقع بازتاب دهنده یک روح سرگردانی است که سری در سر دره های زردیوی بدخشان دارد و پای در کوچه های تهران. آنجا که می گوید:

«و بوسه می زند قبرستان را

قبل از بوسه های دزدانه زیر چهار مغز بن ها»

این ترکیب «چهار مغز بن ها» نشان می دهد که زبان شاعر از دو بستر فرهنگی اندکی متفاوت تغذیه می کند که در این نقطه این دو گویش را با هم آمیخته است.

فرم

پس از زبان آنچه که در شعر نازی شریفی بایسته تاروی آن درنگ شود، فرم این شعر است. از نگاه فرمالیستی شعر نازی شریفی در مجموعه اگر زمستان نمی شد، در جایگاه بلندی می ایستد. به قول علی عبدالرضایی، فرم جزئی از شعر نیست، در واقع یک شعر خوب با فرم خاصی خودش پدید می آید. از همین سبب

یک شعر خوب را او غیر قابل تقلید می داند. کوتاه این که در یک شعر خوب، تمام آیه ها باید در تناسب با یک دیگر قرار بگیرند و بین آنها یک دیالوگ جاری باشد، به گونه ای که حتا اگر یک بند این شعر بی جا یا بر داشته شود فرم شعر آسیب می بیند. در این صورت است که شعر با فرم و محتوای خاصی خودش خلق می شود. این از مهم ترین ویژگی های شعر آزاد است که در شعر کلاسیک و حتا در غزل معاصر به سختی می توان از چنین ویژگی سخن گفت.

برای نمونه به شعر شماره ۴۲ توجه کنید:

ماه بی شرمانه پستانهایش را برهنه می کند

و در می زند بر افکار زشت من

من و ماه آستن غصه های تنهایی می شویم

و چنین کهنه درون مان هیچ گاهی متولد نمی

شو د

نگاه به کتاب

(اگر زمستان نمی شد) نازی شریفی

مثل چشمان من در پشت برقع آبی

که با هیچ میکابی نمی خندد

شاعر به درد و فاجعه از افق وسیع تری با

ژرفای بیشتری می بیند. از همین جهت به جای

این که بابابه خاککش را متهم سرنوشت تلخ

خود اش بداند، خود را با بابابه خاککش هم

سرنوشت می داند. این جا است که فمینیسم در

شعر نازی شریفی پیش از آن که بار ایدولوژیک

داشته باشد، یک دغدغه روشنفکرانه است!

یکی دگر از مسائلی که در شعر شریفی توجه

من را جلب کرد دلزدگی از آورده های مدرنیته

است. در شعر غرب و دگر کشورها مثلن شعر

معاصر ترکیه را که من از نزدیک تعقیب کرده

ام، بدبینی نسبت به آورده های مدرنیته، یکی از

گشش ترین پایه های اندیشه ای شعر این کشور

ها را تشکیل می دهد. زیرا شاعر نبض حساس

طبیعت است. و از همین جهت، در برابر تغییرات

و تحولاتی ارزش ها خیلی مادرانه و دلسوزانه برخورد می کند. از همین جهت است که شاعران در یک قرن آخر همیشه در صف ضد سرمایه داری قرار داشته اند. چون آنها سرمایه داری را مرگ خیلی از ارزش ها می دانند. من در میان شعرهای که از شاعران افغانستان خوانده ام، تنها در شعر بانو شریفی بود که به بدبینی از آورده های مدرنیته روپرو شدم. از این که ما در افغانستان هنوز مدرنیته را آن گونه که باید تجربه نکرده ایم و همیشه در حسرت آن بوده ایم، شاید به همین دلیل از بعضی پیامد هایش غافل مانده ایم. اما این مسئله به غایت مهم مغفول شعرهای بانو شریفی واقع نشده است. آنجا که می گوید:

و از روزی که زلف جاده را قیر کرده اند

کسی با کسی مدارا نمی کند

فرهنگ از کوه ها بالا تر خانه می سازد

دکان اصغر علی در نقشه چیه می شود

و صدای این بر کوه به آن بر کوه نمی

ر سد

هر چند شاعر با آوردن واژه قیر به آیه در شعر تماس مستقیم برقرار کرده است، که تماس مستقیم با پدیده ها مرگ شعر است. در شعر هیچ آیه ای با شخصیت حقیقی خود اش وارد نمی شود مگر این که شاعر در آن دخل و تصرف شاعرانه کرده باشد.

علاوه بر این از نگاه محتوا کتاب اگر زمستان نمی شد، تلاسه های گوناگونی اجتماعی، سیاسی و فلسفی را باز تاب می دهد که به نسبت کوتاهی فرصت نمی توانم به تمام آن ها بپردازم و برای نمونه با خواندن شعر مرگ از این کتاب دریچه سخن را می بندم.

مرگ، جوانی خوش تیبی که

در حسرت لبخند اش

هر روز از خیابانی عبور کنی

و آهسته آهسته پیر شوی

و در هیچ تصادفی برایت دست تکان

ن دهد



■ ادامه از صفحه ۱

آزادی یا حراج؟!

یافتن به تن شان آزاد گذاشته اند نیز کاملاً بی اساس است. هیچ مردی حق دست زدن و تعرض به هیچ زنی را ندارد، مگر این که خودش بخواهد. و خلاصه این که مومنین عزیز؛ پیش از این هر گندی که باعث و بانی اش جزء خودتان کس دیگری نیست بر گردن سایر ملل نیندازید. این که در افغانستان یک تعداد به ظاهر روشن فکر؛ در قبال دختر همسایه روشن فکر اند و در قبال زن و دختر خودشان غیرتی، ناشی از همان «افیونی است که دین» در کله ای این ها وارد کرده اند. نه غرب مقصر است و نه هیچ کس دیگر. مردان و زنان غرب اگر همانند انسان زندگی می کنند، و به حقوق حقه ای همدیگر احترام قایلند، و یکدیگر را برده و یا جنس دوم نمی پندارند، عیب کارشان در کجاست؟! و این که ما زندگی انسانی را بلد نیستیم و به هیچ عنوان حاضر نیستیم به دیگران احترام و حق و حقوقی قابل شویم؛ گناه آنان چیست که همه ای کاسه و کوزه ها را بر سر آنان می شکنید؟! حوصله ای نوشتن بیشتر از این را ندارم، زیرا این روزها به شدت خسته ام. شما عزیزان در جواب این دوست ما دلایل تان را بنویسید.

حکایت در جامعه دین زده ای افغانستان صدق می کند نه غرب. زیرا این جا مردان در قبال زنان و دختران خودشان غیرتی اند و در قبال زنان و دختران همسایه روشن فکر و به شدت خواستار آزادی آنهایند و به راستی که چنین رفتاری دلیلی جزء رسیدن به تن زنان هم نمی تواند داشته باشد. اما در جامعه ای غرب که یک تعداد دوستان ما ادعا دارند طرح شوم «آزادی زن» از نقشه های پلید غرب است؛ چنین چیزی صدق پذیر نیست. زیرا در جامعه ای غرب که دشمن جانی اسلام و مسلمین است و مسلمین دوست دارند تمام فلاکت جهان را بر دوش آنان اندازند بیش از این که صرف آزادی زن مطرح باشد «انسانیت» و «برابری زن و مرد» مطرح است. آن جا شاید هیچ مردی بر خواهر، مادر، زن، خاله و عمه و اقارب اش این تسلط را نداشته باشد که آن ها را در بند بکشد و اما شاعر آزادی را برای دیگران سر دهد. آن جا آزادی مخصوص طبقه ای خاصی که در افغانستان موسوم به «مدنی گگ ها» اند، نیست. بلکه آزادی برای همه است آن هم بطور یک سان. این ادعا که غربی ها زنان را بخاطر دست

و کتمان می کنیم خود را در میان چرک

ترین ابرها

محتوای

علاوه بر این شعر خانم شریفی از نظر محتوا و یا درونمایه معنایی، شعر کم نظیری است. در این تردیدی نیست که گفتن از زنانگی و تنانگی مهم ترین بال اندیشه را در شعر زن معاصر تشکیل می دهد. و این خوب است که یک شعر بازتاب دهنده جنسیت شاعر اش باشد. خصوصن در زمانه ای که زن بودن خود نه تنها

یک مسئله است بلکه خود یک درد است که بایسته است تا به آن پرداخت. اما برای بیشتر

شاعران زن در افغانستان، گفتن از زنانگی به تمام

اهم و غم شان تبدیل شده است. آیا یک زن محض زن بودن، فقط درد اش زن بودن اش می

باشد و بس؟ آیا یک زن محض زن بودن، از تمام درد های دگر موجود جامعه اش باید چشم

پوشد؟ آیا یک شاعر زن دغدغه هستی شناختی

ندارد؟ حزن فلسفی نمی تواند او را دست دهد؟

اگر پاسخ بله است پس چرا جای این همه

مسئله های دگر در شعر زن معاصر خالی است؟

اگر زمستان نمی شد از جمله کتاب های است

که شاعر آن یک زن است و جای تمام موارد

که گفته آمد در شعر او خالی نیست. نازی

شریفی بر خلاف فمینیست های ستیزه جوی، که تمام بد و بلا را روی دوش مرد جامعه خود

می گذارند و او را متهم سرنوشت سیاه خود می

دانند، شریفی هنگام گفتن از درد های خودش

به عنوان یک زن، از آن سوی برقع آبی چشم اش از پینه های دست باببه خاککش نیز غافل

نمی شود:

دستان بابابه خاککش جوان پینه ها بسته



سال سوم ■ شماره ۹۱ ■ شنبه ۲۹ سرطان ۱۳۹۸

Saturday ■ 20, July, 2019 ■ Vol. 3 ■ No. 91

بوی خوش آر کیده؛ در فضای کبود کابل



گفت و گو:

ریحانه فرهمند

گفتگوی با زینب شفا
مسوؤل شرکت گل های تزئینی آر کیده

بانو شفا سپاس از این که برای گفتگو با هفته نامه ی نیمرخ فرصت دادید، در نخست در مورد خودتان و تحصیلاتتان برای مخاطبان نیمرخ صحبت کنید.

منمون از شما، من زینب شفا، خارج از کشور دنیا آمدم. حدود ۶ سال می شود که به کشورم باز گشتم. اکنون دانشجوی ترم آخر دانشکده ی اقتصاد یکی از دانشگاه های خصوصی در کابل هستم و مدیر مسوؤل آر کیده. چگونه برای شما انگیزه ایجاد شد که در عرصه ی تجارت فعالیت کرده و آر کیده را تاسیس کنید؟

از کودکی علاقه مندی به گل ها داشتم تا حدی که اکنون هم شمار زیادی از انواع گل و گیاه را در خانه ی خودم پرورش داده ام و نگه داری می کنم. گل هایم بزرگ می شدند من مجبور بودم که گلدان های زیادی را خریداری کنم. همین طور در مورد پرورش و نگه داری انواع گل ها مطالعه کنم و معلوماتم را اضافه کردم. چند ماه قبل از دوستانم که در

ایران بودند خواستم چند دانه گلدان برایم بفرستند. گلدان ها رسید و روزی تعدادی از دوستانم به خانه ی ما آمدند و این گلدان ها را بسیار پسندیدند. از من خواستند که اگر از این گلدان ها برای آنها آماده کنم، می خرند. برایم بسیار جالب تمام شد و خواستم که در این بخش فعالیت منظم و منسجم کنم. علاقه مندی کافی در من وجود داشت و می دیدم که در این بخش فعالیت نیز وجود ندارد و گلدان های متنوع و دیکوری در کشور ما تولید نمی شود. گلدان ها بیشتر پلاستیکی هستند که از ایران و پاکستان وارد می شود. گلدان های گلی

و کلالی که در افغانستان ساخته می شود کیفیت خوب ندارد.

خانواده و دوستانتان در مورد آر کیده چه می گویند؟

من در این قسمت خیلی خوشبختم، زیرا خانواده و دوستانم همواره مرا حمایت و تشویق کرده اند. اما خودم در اول بسیار نگران بودم که شکست بخورم و یا این که نتوانم شرکت را پیش ببرم. بعد از این که کار را آغاز کردم، تصمیم گرفتم که تلاش زیاد انجام دهم. فعلا شرکت آر کیده فقط آنلاین فعالیت دارد. تمام خرید و فروش به صورت آنلاین می شود. از کار راضی هستم. در مورد فعالیت آر کیده بیشتر توضیح دهید و

نیز بگویید که میزان فروش شما چه اندازه است؟ از فعالیت آر کیده نزدیک به یک ماه می گذرد. هنگامی که فعالیت را شروع کردم و از فعالیت ها در صفحه های مجازی نشر کردم. علاقه مندی ها زیاد بود. شب ها تا دیر وقت سفارش مشتری ها را می گرفتم و در هفته پیش رو گلدان و گل ها را به تحویل می دهم. سفارش ها بیشتر از توقع ام بود و از این بابت خوشحالم و برای ادامه ی کار امیدوار.

در مورد نام شرکت؛ آر کیده دقیقا معنایش چه معنی دارد و چرا این نام را انتخاب کردید؟

آر کیده نام یک گل خاص است که در هر

شرایطی رشد نمی کند. دانه ی گیاه بسیار حساس است و یک گل زینتی است. وقتی که آر کیده دانه اش گرفت، باز گیاه بسیار قوی است و به راحتی از بین نمی رود. این گل بیش از ۲۰ نوع رنگ دارد و گل زیبایی است. به این دلیل نام شرکت را نام این گل گذاشتم که می خواهم کار خود من نیز در این شرکت خاص، ظریف و حساس باشد.

چند نوع گل را شما تزئین و نگه داری می کنید؟

در خانه بیش از ۳۰ نوع گل دارم که همه بزرگ هستند، اما برای گل های که به فروش گذاشتم که اکثرا تزئینی هستند. از یک دوستی که گل خانه دارد، گل برای گلدان ها انتخاب کرده و تهیه می کنم. دوست دارم که بتوانم بیشتر گل پرورش بدهم و از دیگر کشورها وارد کنم، فعلا تمام گل ها افغانی هستند و یا هم جوانه شان را از کشورهای چون ایران و پاکستان وارد کردند و در این جا پرورش دادند.

از گل هایی که خودتان در خانه دارید می شود نام بگردانید؟

البته، گل هایی که در خانه دارم مانند: بامبو، نخل مردام، شمع دانی، ۷ نوع ساکولینت ها را دارم، انواع کاکتوس ها، شمشاد، اپوتیا، انیوم، لیلی و مجنون، دم روباه و فردوس فعلا در ذهنم استند.

آینده آر کیده و تجارت بانوان در افغانستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

در ابتدا امید می نداشتم و فکر می کردم که شاید مخاطب زیاد نداشته باشم. اما نتیجه خیلی خوب بود و تشویق شدم. می خواهم آر کیده را گسترش دهم و بتوانم که فارم و یا فضای برای پرورش گل ها ایجاد کنم. گل و گلدان های زینتی را از دیگر کشورها وارد کنم که وقتی که هم وطنانم وارد فارم گل و گدانی ما می شوند خودشان را بیرون از هر گونه فضای ناسالم ببینند و احساس خوبی داشته باشند. متأسفانه جامعه ی افغانستان خوب نیست، ولی ما باید برای خود خوب بسازیم. از ابتدا می گفتم نمی توانم، اما حالا کارم برایم شیرین است و در نهایت فکر می کنم که همه چیز بستگی به خود بانوان دارد و باید قوی باشیم و باور کنیم به خودمان که ما می توانیم.



از کودکی علاقه مندی به گل ها داشتم تا حدی که اکنون هم شمار زیادی از انواع گل و گیاه را در خانه ی خودم پرورش داده ام و نگه داری می کنم. گل هایم بزرگ می شدند منم مجبور بودم که گلدان های زیادی را خریداری کنم. همین طور در مورد پرورش و نگه داری انواع گل ها مطالعه کنم و معلوماتم را اضافه کردم. چند ماه قبل از دوستانم که در ایران بودند خواستم چند دانه گلدان برایم بفرستند. گلدان ها رسید و روزی تعدادی از دوستانم به خانه ی ما آمدند و این گلدان ها را بسیار پسندیدند. از من خواستند که اگر از این گلدان ها برای آنها آماده کنم، می خرند. برایم بسیار جالب تمام شد و خواستم که در این بخش فعالیت منظم و منسجم کنم.

نشست علمی ...

و بلکه استحکام پیدا کند. انسان فقیر، کرامت، عزت، آینده و سرنوشت خود را در بدل هزار افغانی، به لیلام می گزارد. از این زاویه که نگاه کنیم، فقر اساسا ماهیتی سیاسی دارد؛ چرا که استمرار سلطه ی سیاسی، در گرو دوام فقر و ناتوانی شهروندان است. دکتر جوادی در اخیر بیان داشت که فقر کرامت، عزت، همت، هویت، توان، عزم و جاه طلبی را از انسان می گیرد.

در پایان، پوهنیار امین جويا استاد دانشگاه بامیان با بررسی رابطه فقر و تبعیض، خاطر نشان کرد که فقر در سه زمینه و بستر مشخص به وجود می آید: فقر در فرایند طبیعی و نرمال، فقر به عنوان انتخاب و فقر در نتیجه اعمال فشار و تبعیض و یا فقر مهندسی شده. ایشان گفت که فقر مهندسی شده یکی از رایج ترین شکل فقر است که نظام های سیاسی قصدا تعداد یا گروهی از شهروندان را در فقر نگه می دارند و نظر به شواهد تاریخی این گونه برخوردهای تبعیض آمیز برای نگه داشتن یک عده به فقر با توجیهات اقتصادی اعمال می شده است.

قدرت تعبیر کرد و برای اینکه یک فرد بداند تا چه اندازه آزاد است باید از خویش بپرسد که او در زندگی خود قادر به تحقق چه امکان هایی است. اما فقر همین قابلیت را از شهروندان می ستاند و امکان تغییر را در حق او ممتنع می سازد. او گفت بامیان زمانی در تمامی عرصه های اعتراضی و مدنی در کشور و سطح منطقه پیشتاز بود اما انجماد مدنی امروز که ریشه های اقتصادی دارد به وضوح نشان می دهد که فقر این قابلیت ها را نشانه گرفته است و حتی دیده شد که شهروندان گرفتار در فقر در بدل هزار افغانی رای خود را فروختند. آن ها که با رای خریداری شده، بر مسند قدرت تکیه کرده اند، با استفاده از امتیازات ویژه ی چوکی، بابت هر هزار افغانی که پرداخته اند، هزاران و بلکه میلیون ها افغانی را، البته دوباره از جیب ملت، در خزانه ی خود ذخیره می کنند تا چرخه ی تکرار شونده فقر و سلطه، همچنان دوام یابد و استمرار

اندیشه و استاد موسسه تحصیلات عالی بامیکا از دیگر سخنرانان این برنامه بود که درباره نسبت فقر و حقوق سیاسی صحبت کرد. ایشان اظهار داشت که بر طبق اسناد بین المللی حقوق بشر، رهایی از فقر از جمله ی حقوق انسانی و بشری است. نقض حقوق بشر از سوی دولت ها، تنها به طور سلبی محقق نمی شود بلکه همان گونه که تعرض به حق حیات و آزادی یک شهروند از مصادیق نقض حقوق به شمار می رود، وجود شهروندان فقیر نیز شاهد نقض حقوق بشر از سوی دولت ها می باشد. آقای جوادی تأکید کرد که رهایی از فقر به خصوص با تامین حقوق سیاسی شهروندان ارتباط وثیقی دارد و فقر نه با میزان درآمد، بلکه با فقدان قابلیت سنجیده می شود و انسان ها زمانی از فقر رهایی می یابند که بالقوه بر انتخابی متفاوت از آنچه هستند قادر باشند. وی جوهره حقوق سیاسی را «آزادی» عنوان نموده و آزادی را به مثابه

فراوان آمار شهروندان فقیر هم چنان در حال افزایش است. آقای اخلاقی، ایجاد یک مکانیسم روشن برای رسیدگی به مشکلات خانواده های که در نتیجه جنگ و خشونت جاری نان آوران و حامیان خود را از دست داده است، استخدام و به کار گماردن مدیران شایسته و لایق، شناسایی خلاء های قانونی و رفع آن ها، اعطای تسهیلات لازم برای زارعین، مطالعه و اجرای آب بندهای جدید، مکانیزه کردن زراعت، خرید تضمینی محصولات زراعتی، جایگزین نمودن محصولاتی که مقرون به صرفه نیست با محصولات درآمدزا و تولید محصولاتی که در آن مزیت نسبی وجود دارد به عنوان راهکار کوتاه مدت، توسعه صنعت برق، جلوگیری از واردات بی رویه کالاهای خارجی را به عنوان راهکار بلند مدت مبارزه با فقر مطرح کرد و آن را از مسئولیت های مهم دولت خواند. دکتر علی جوادی، مسوؤل دفتر ولایتی بنیاد



Nimrokh Weekly

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیاں
سردبیر: مینا نصر
ویراستار: مسعود اختیاری
گزارشگر: ریحانه فرهمند
عکاس: حمیده مهردل

صفحه آرا: اولیا عماد
توزیع: شبکه زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
زیر نظر هیئت تحریر
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی: info@nimrokh.af

خواننده‌گان عزیز نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کنند.

به جز روی‌کرد نیم‌رخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسندگان می‌باشد.
هفته‌نامه نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

سال سوم ■ شماره ۹۱ ■ شنبه ۲۹ سرطان ۱۳۹۸ / Vol. 3 ■ No. 91 ■ Saturday ■ 20, July, 2019

احمد رجا طهماسی

نشست علمی «حقوق بشر از تئوری تا عمل» در بامیان برگزار شد

همان پیمان‌ه در برابر مسایل مانند فساد، تبعیض، بی‌عدالتی و نقض حقوق بشر حساسیت می‌ورزند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب فعالانه تلاش می‌کنند. تقویت فعالیت‌های مدنی و دادخواهانه در سطح ولایت و نیز جلب توجه حکومت محلی به مسایل مهم حقوق از دیگر اهداف این برنامه بود که توسط رئیس دفتر ساحوی بامیان مطرح شد. در ادامه، دکتر عبدالرحیم اخلاقی رئیس موسسه تحصیلات عالی بامیکا در مورد تعهدات دولت افغانستان در زمینه مبارزه با فقر صحبت نمود. ایشان در ابتدا به بیان مسئله فقر پرداخت و سپس به مهم‌ترین تعهدات دولت اشاره نمود و گفت در اجلاس ۲۰۱۵ که بحث توسعه پایدار مطرح گردید، در بین اهداف ۱۷ گانه، هدف اول و دوم آن ریشه‌کنی فقر به هر شکل و در هر جا، و ریشه‌کن کردن گرسنگی و تأمین امنیت غذایی یا به عبارتی جامعه بدون فقیر و بدون گرسنگی می‌باشد که به تصویب رسیده است. آقای اخلاقی تحقق اهداف یادشده را در زمره مهم‌ترین تعهدات دولت افغانستان عنوان نمود و تأکید کرد که دولت بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نیز قوانین نافذ کشور وظیفه دارد که سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمدی را برای مبارزه با فقر، طرح و اجرا نماید. رئیس موسسه تحصیلات عالی بامیکا در مورد فقر گسترده و شایع موجود در افغانستان با توجه به ولایت بامیان صحبت نمود و خاطر نشان کرد که اکنون به دلیل فقر گسترده فاصله تطبقاتی به ۳۴ درصد رسیده است و به رغم کوشش‌های

سطح آگاهی و دانش عمومی در زمینه حقوق بشر و به تبع آن ترویج شهروندی فعال از دیگر اهداف این سلسله نشست‌ها می‌باشد، به باور آقای دادگر آموزش حقوق بشر ضمن آن که به شهروندان امکان دفاع مؤثر از حقوق خود و جلوگیری از نقض حقوق بشر را می‌دهد

برنامه یادشده با صحبت‌های محمد جواد دادگر، رئیس دفتر ساحوی بامیان آغاز شد. او در توضیح اهداف سلسله نشست‌های علمی حقوق بشر گفت که؛ با توجه به اقدامات تقنینی دولت افغانستان برای شناسایی و تضمین حقوق بشر، سلسله نشست‌های علمی «حقوق بشر از تئوری تا عمل» به این موضوع می‌پردازد که دولت افغانستان به چه میزانی به تعهدات الزامات ناشی از پیوستن به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود اعتنا کرده و نیز چه اقدامات عملی و مؤثر برای بهبود سطح دسترسی شهروندان به حقوق بشر انجام داده است.

هم‌چنین منجر به ترویج شهروندی فعال در جامعه نیز می‌گردد. بنابراین، در جامعه‌ای که افراد درک درست از حقوق و آزادی‌های خود و مکلفیت‌های قانونی دولت داشته باشند، به

دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در بامیان، دانشگاه بامیان، موسسه تحصیلات عالی بامیکا و دفتر ولایتی بنیاد اندیشه به تاریخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۸ نشست علمی را با موضوع فقر و حقوق بشر برگزار کرد. این اولین جلسه از سلسله نشست‌های علمی حقوق بشر از تئوری تا عمل می‌باشد؛ که با حضور بیش از ۲۰۰ نفر، اعم از مسئولان ادارات دولتی و غیردولتی، فعالان مدنی و حقوق بشر، اساتید و دانشجویان مراکز علمی و تحصیلی در مرکز ولایت تدویر شد.

برنامه یاد شده با صحبت‌های محمد جواد دادگر، رئیس دفتر ساحوی بامیان آغاز شد. او در توضیح اهداف سلسله نشست‌های علمی حقوق بشر گفت که؛ با توجه به اقدامات تقنینی دولت افغانستان برای شناسایی و تضمین حقوق بشر، سلسله نشست‌های علمی «حقوق بشر از تئوری تا عمل» به این موضوع می‌پردازد که دولت افغانستان به چه میزانی به تعهدات و الزامات ناشی از پیوستن به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود اعتنا کرده و نیز چه اقدامات عملی و مؤثر برای بهبود سطح دسترسی شهروندان به حقوق بشر انجام داده است. آقای دادگر افزود، فراهم‌آوری زمینه مشارکت و سهم‌گیری فعالانه دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی محلی به مثابه نهادهای با نفوذ و برخوردار از ظرفیت‌های کارآمد علمی در پیگیری تلاش‌های حقوق بشری به ویژه فعالیت‌های معطوف به توسعه و ترویج حقوق بشر و همین‌طور ارتقای

چندگیسو

نازی شریفی

گوش‌هایم پر از آبی دریاها

و چند نهننگ به جان هم افتادند

در باتلاق ذهنم

پاییز را سخت در بغل گرفته‌ام

تا سر گیجه‌هایم بریزند

بازوزه چند شغال که چیغ می‌زنند

دلهره دارم از تو که به دستانت نیازمندم

و تمام درختان باغ مان تکرار تکرار تو را

می‌رقصد در خاک بادها

و بادام‌های پوک می‌ریزند

و هیچ کس شگفت زده نمی‌شود

از شاعر که با نهننگ‌ها دور دور ترین جزیره‌ها نفس

می‌کشد

و می‌مرد

و آب از سرش می‌گذرد

و تمام گرگ‌ها را دوست میدارد

و به کفتارها احترام می‌گذرد

بازگشت دوباره به زندگی



یادداشت‌های یک روانشناس

آمینا طیب‌زاده

حدود یک سال شکریه که از آسیب روانی افسردگی و اضطراب رنج می‌برد در جلسات متعدد و منظم روان‌درمانی و مشاوره، متعهد و پابند اشتراک کرد. او توانست با دست و پنجه نرم کردن با نامالیقات زندگی به خود باوری برسد. او عهد کرد فرزندان خود را باسواد کند. شکریه در کمپ در حوالی خوشحال خان زندگی می‌کند، هشت فرزند دارد. شوهرش در جنگ‌ها یک دست و یک پا را از دست داده و در اثر فشارهای سخت روانی به مواد مخدر معتاد شده است. حالا دیگر دو سال است غیبت زده و شکریه از این اتفاق راضی است، چون در گذشته او پالت و کوب از شکریه پول مواد مخدر را می‌گرفت، که جسم شکریه هنوز هم حکایت خشونت‌های مرگ‌بار فیزیکی که بالایش صورت گرفته را دارد.

شکریه بیشتر کار کردم. به او در مورد مهارت‌های زندگی گفتم. جلسه‌ها تاثیر مثبت داشت و شکریه اعتماد به نفس گرفت و به زندگی متفاوت کمر بست. او فشار کار را از بالای شانه‌های اطفال خود کم کرد و خودش مسوولیت تأمین نان خانه را به دوش گرفت. اکنون شکریه از طریق خیاطی، لحاف



وقتی شکریه برای اولین بار نزد من مراجعه کرد. غمگین و افسرده بود. اعتماد به نفس ضعیف داشت و حیران بود که زندگی‌اش را چگونه برنامه‌ریزی کند و از پس مسوولیت مادری‌اش بربیاید. در ابتدای صحبت‌هایم با او همدلی کردم. تلاش کردم با تمرین‌های مختلف حس خوب و قشنگ برایش بدهم. موفق شدم که که احساس ناامید و سردرگمی او را نسبت به زندگی کم‌تر کنم. با این روش که برایش خوب بود، او را تشویق به ادامه دادن جلسه‌های بعدی مشاوره و توان‌بخشی کردم. شکریه موافقت کرد. به تدریج در جلسه‌های بعدی بالای روان و ذهن

دوزی و کار در منازل پول بدست می‌آورد. او حالا زن توانمند و شجاع است که برعکس قوم و خویش‌اش اولادهايش به مکتب می‌فرستد. او به زندگی امید دارد و برای آینده‌ای روشن تر کار می‌کند.

Star Educational Society
Since 1988
American English File
www.star.edu.af
شماره‌های تماس تماسی
انستیتوت: ۰۷۸۹-۶۳۷۲۳
شعبه A: ۰۷۲۲۵۶۲۷۵۵
شعبه B: ۰۷۴۴-۴۶۰۵۲
شعبه C: ۰۷۰۸۴۵۷۴۵۳
شعبه D: ۰۷۷۹۶۱۸۵۵۰
شعبه E: ۰۷۷۱-۴-۲۳۵
شعبه H: ۰۷۴۶۱۳۴۹۶۲